

## اعلامیه جهانی حقوق زبانی

ترجمه شده توسط: علی دده بیگلو  
به مناسبت روز جهانی زبان مادری- ۲۰۰۵

### مقدمات

مؤسسات و تشکیلات غیردولتی، امضاء کنندگان "بیانیه جهانی حقوق زبانی" حاضر، گردهم آمده از ۶ تا ۹ ژوئن ۱۹۹۶ در بارسلونا؛ با در نظر گرفتن "اعلامیه جهانی حقوق بشر" مورخ ۱۹۴۸، که در مقدمه اش اعتقاد خود را به "برابری حقوق پایه ای بشر، کرامت و ارزش افراد انسانی و حقوق برابر مرد و زن" بیان می‌نماید؛ و نیز در ماده دوم خود که اعلام می‌کند "همه افراد، بدون در نظر گرفتن "نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، دین، باورهای سیاسی و یا دیگر باورها، منشاء ملی و یا اجتماعی، مالکیت، محل تولد و یا خصوصیات دیگر"، دارای همه حقوق و آزادی‌ها می‌باشند؛

با در نظر گرفتن "عهدنامه بین المللی حقوق سیاسی و مدنی" ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ (ماده ۲۷)، و "عهدنامه بین المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی" به همان تاریخ، که در مقدمه های خود بیان می‌نمایند آحاد نوع بشر نمی‌توانند آزاد شمرده شوند مگر آنکه شرایطی فراهم گردد که آنها را قادر به اعمال و بهره برداری از هر دوی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی خود نماید؛

با در نظر گرفتن "قطعنامه ۱۳۵-۴۷"، ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که "بیانیه در حقوق افراد متعلق به اقلیتهای ملی، ائتتیک، دینی و زبانی" را تصویب نمود؛

با در نظر گرفتن اعلامیه ها و توافقنامه های (کنوانسیونهای) مجمع اروپا مانند "کنوانسیون اروپائی برای حفظ حقوق بشر و آزادیهای اساسی"، به تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۵۰ (ماده ۱۴)؛ "کنوانسیون شورای وزیران مجمع اروپا" به تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۹۲، که "مقاله نامه (چارت) اروپائی برای زبانهای منطقه ای و یا اقلیتی" را تصویب نمود؛ "اعلامیه در باره اقلیتهای ملی" تهیه شده توسط نشست سران مجمع اروپا در تاریخ ۹ اکتبر ۱۹۹۳؛ و "کنوانسیون چهارچوب برای محافظت از اقلیتهای ملی" نوامبر ۱۹۹۴؛

با در نظر گرفتن "بیانیه انجمن بین المللی قلم در سانتیاگو د کومپوستلا" و "بیانیه ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ کمیته حقوق زبانی و ترجمه ای انجمن جهانی قلم، در رابطه با پیشنهادی برای برگزاری کنفرانسی جهانی در موضوع حقوق زبانی"؛

با در نظر گرفتن این امر که در شهر رسیف برزیل، "اعلامیه ۹ اکتبر ۱۹۸۷ دوازدهمین سمینار انجمن بین المللی برای توسعه تفاهم و ارتباط بین فرهنگها"، به سازمان ملل متحد توصیه نمود که گامهای لازم را برای تصویب و اجرای اعلامیه جهانی حقوق زبانی بردارد؛

با در نظر گرفتن "کنوانسیون ۱۶۹ سازمان جهانی کار" مورخه ۲۶ ژوئن ۱۹۸۹ در باره مردمان بومی و طائفه ای در کشورهای مستقل؛

با توجه به "اعلامیه جهانی حقوق جمعی خلقها"، بارسلونا، می ۱۹۹۰، که اعلام نمود همه خلقها، در درون چهارچوبهای سیاسی متفاوت از حق افاده و توسعه فرهنگ، زبان و قواعد سازمانیابی خویش و در نهایت از حق پذیرش و دارا بودن نهادهای حکومتی، ارتباطاتی، تحصیلی و سیاسی خود برخوردار می‌باشند؛

با در نظر گرفتن "بیانیه نهائی پذیرفته شده در همایش عمومی فدراسیون جهانی معلمان زبان مدرن" در شهر پیج (مجارستان) به تاریخ ۱۶ آگوست ۱۹۹۱، که به شناخته شدن رسمی حقوق زبانی به عنوان حقوق پایه ای انسانی توصیه نموده بود؛

با در نظر گرفتن "گزارش کمیسیون شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، ۲۰ آوریل ۱۹۹۴" در ارتباط با طرح "اعلامیه در حقوق خلقهای بومی" که به حقوق فردی در پرتو حقوق جمعی نظر می‌کند؛

با در نظر گرفتن طرح "بیانیه کمیسیون حقوق بشر بین آمریکائی در باره مردمان بومی"، مصوب نشست ۱۲۷۸ به تاریخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۵؛

با در نظر گرفتن اینکه اکثریت زبانهای در خطر نابودی، متعلق به گروههای مردمانی می‌باشند که از حق حاکمیت ملی خود برخوردار نیستند و اینکه عوامل اصلی که از توسعه این زبانها ممانعت کرده و به روند جایگزینی زبانی دیگر به جای آنها شتاب می‌بخشند، عبارتند از نبود حکومتهای خودگردان آنها و سیاست دولتها، که ساختارهای سیاسی و اداری و زبان خود بر آنها را تحمیل می‌نمایند؛

با در نظر گرفتن اینکه حمله نظامی، مستعمره نمودن، اشغال و دیگر نمونه های به انقیاد در آوردن اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، اغلب اوقات شامل تحمیل مستقیم زبانی خارجی بوده و یا حداقل، تصورات موجود در باره ارزش و منزلت زبانها را خدشه دار نموده و موجب ایجاد آنچنان رفتارهای زبانی سلسله ای می‌گردند که وفاداری زبانی متکلمین به آنها را از بین می‌برند؛

و با در نظر گرفتن اینکه زبانهای برخی از خلقهایی که حاکمیت ملی خود را بتازگی بدست آورده اند، متعاقبا و در نتیجه سیاستی که زبان قبلی قدرتهای استعماری و یا امپریالیستی را مقدم می‌شمارد، در روند جانشینی زبانی در می‌غلطند؛

با در نظر گرفتن اینکه جهانی شدن می‌بایست بر اساس تلقی‌ای از تنوع زبانی و فرهنگی، غالب آمده که بر روندهای یکسانسازی و تجرید حذفی زبانها و فرهنگها، بنیاد گذارده شود؛

با در نظر گرفتن این نکته که به منظور تامین نمودن همزیستی صلح آمیز بین جمعیتهای زبانی، می‌بایست اصولی عمومی یافت شوند که تشویق و ارتقاء موقعیت و احترام به همه زبانها و کاربرد اجتماعی آنها در محیطهای عمومی و خصوصی را تضمین نمایند؛

با در نظر گرفتن اینکه عوامل گوناگون با ماهیتهای غیرزبانی (عاملهای تاریخی، سیاسی، سرزمینی، جمعیت شناسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و اجتماعی-زبانی و عوامل دیگر مربوط به رفتارهای جمعی) مسائلی را ایجاد می‌کنند که منجر به نابودی، به حاشیه رانده شدن و یا انحطاط زبانهای بیشمار می‌گردند، و نیز برای اینکه بتوان راه حل های مناسبی برای هر مورد خاصی اعمال نمود، حقوق زبانی می‌بایست به طوری همه جانبه بررسی گردند؛

با اعتقاد به اینکه "اعلامیه جهانی حقوق زبانی"، به منظور تصحیح عدم توازنهای زبانی در پرتو تضمین احترام و توسعه کامل همه زبانها، و پایه گذاری اصولی برای صلح و برابری عادلانه زبانی در سراسر جهان به عنوان عاملی کلیدی در حفظ روابط اجتماعی موزون، مورد نیاز می‌باشد؛

## **بدینوسیله اعلام می‌دارد که**

### **آغاز**

موقعیت هر زبان، در پرتو ملاحظاتی که در زیر آمده اند، محصول تقارب و اندرکنش دامنه وسیعی از عوامل با

ماهیت‌های سیاسی و قانونی، ایدئولوژیک و تاریخی، جمعیت‌شناختی و قلمرو-سرزمینی، اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی، زبان‌شناختی و زبانی-اجتماعی، بین‌زبانی و ذهنی است.

در حال حاضر، این فاکتورها بدینگونه تعریف می‌شوند:

- تمایل دیرینه یکسانسازی اکثریت دولتها به کاهش تنوع و تشویق رفتارهایی که بر ضد چندگانگی فرهنگی و تکثر زبانی می‌باشند.

- سیر به سوی اقتصاد جهانی و بدنال آن بازار جهانی اطلاعات، ارتباطات و فرهنگ که باعث مختل گردیدن محیط‌های مناسبات مشترک و گونه‌های تاثیر متقابلی که انسجام درونی جمعیت‌های زبانی را تضمین می‌نمایند، می‌شود.

- مدل رشد اکونومیسیستی پیشنهاد شده توسط گروه‌های اقتصادی ماوراءملی، که خواهان یکی نشان دادن کاهش کنترل‌های دولتی با پیشرفت و فردیت‌گرایی رقابتی بوده و باعث ایجاد نابرابری‌های جدی و فزاینده زبانی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌گردد.

- جمعیت‌های زبانی در عصر حاضر از سوی عواملی مانند نداشتن حکومت‌های ملی (خودگردان) خود، نفوس محدود، و یا جمعیتی که به لحاظ جغرافیائی قسما و یا کاملا پراکنده شده است، اقتصادی شکننده، زبانی استانداردیزه نشده، و یا مدلی فرهنگی در ضدیت با مدل فرهنگی مسلط، در معرض تهدید قرار دارند. این عوامل، ادامه حیات و گسترش بسیاری از زبانها را عملا غیرممکن می‌سازد مگر آنکه اهداف اساسی زیرین ملحوظ شوند:

... از دیدگاه سیاسی، هدف طراحی روشی برای سازماندهی تکثر و تنوع زبانی به گونه‌ای که به مشارکت موثر جمعیت‌های زبانی در این مدل توسعه جدید اجازه دهد.

... از دیدگاه فرهنگی، هدف تامین و ایجاد محیط ارتباطات جهانی‌ای سازگار با مشارکت برابر همه خلقها، جمعیت‌های زبانی و افراد در روند توسعه.

... از دیدگاه اقتصادی، هدف تشویق پایدار توسعه بر پایه مشارکت همه و بر اساس احترام به تعادل محیط زیست جوامع و در روابط برابر بین همه زبانها و فرهنگها.

بنا به همه دلایل فوق‌الذکر، این اعلامیه مبداء حرکت خود را "**جمعیت‌های زبانی**" و نه "دولتها" قرار می‌دهد و می‌بایست به این اعلامیه در متن تقویت موسسات بین‌المللی قادر به تضمین نمودن توسعه برابر و پایدار همه جامعه بشری نگرست. به همین دلایل، همچنین از اهداف این اعلامیه، تشویق ایجاد چهارچوبی سیاسی برای تنوع زبانی مبتنی بر احترام، همزیستی هماهنگ و منافع متقابل می‌باشد.

## عنوان مقدماتی: مفاهیم

### ماده ۱

۱- این بیانیه "**جمعیت زبانی**" را بدین گونه تعریف می‌نماید: هر جامعه انسانی که به لحاظ تاریخی در "**محیط سرزمینی**" معینی، فارغ از به رسمیت شناخته شدن و یا نشدن آن، سکنی گزیده و خود را به عنوان يك توده با هویت واحد دانسته و زبان مشترکی را به عنوان وسیله‌ای طبیعی برای ارتباط و هم‌بندی فرهنگی بین اعضای آن توسعه داده است. تعبیر "**زبان خاص يك سرزمین**" (**زبان نیاخاکی**) به زبان جمعیتی که به شرح فوق در همچو محیطی سکنی گزیده باشد اطلاق می‌شود.

**سرزمینی** معینی، فارغ از به رسمیت شناخته شدن و یا نشدن آن، سکنی گزیده و خود را به عنوان يك توده با هویت واحد دانسته و زبان مشترکی را به عنوان وسیله ای طبیعی برای ارتباط و هم بندی فرهنگی بین اعضای آن توسعه داده است. تعبیر "**زبان خاص يك سرزمین**" (**زبان نیاخاکی**) به زبان جمعیتی که به شرح فوق در همچو محیطی سکنی گزیده باشد اطلاق می‌شود.

۲- این اعلامیه مبداء حرکت خود را بر این اصل قرار می‌دهد که حقوق زبانی در عین حال و یکجا، هم فردی و هم جمعی می‌باشند. در تعریف دامنه کامل حقوق زبانی، این اعلامیه مرجع خود را مورد يك جمعیت زبانی تاریخی، در محیط سرزمینی خود قبول می‌نماید. و آنچه از این محیط درك می‌شود، نه تنها گستره جغرافیائی‌ای که جمعیت در آنجا زندگی می‌نماید، بلکه محیط اجتماعی و عملی‌ای که برای توسعه و شکوفائی تمام و کمال يك زبان حیاتی است می‌باشد. تنها بر این اساس امکان دارد که حقوق زبانی گروه‌های ذکر شده در نقطه ۵ ام این اعلامیه و حقوق افرادی که در خارج سرزمین زبانی خویش می‌زیند را، برحسب پیوستگی و درجه بندی تعریف نمود.

۳- به منظور کاربرد در این بیانیه، گروه‌هایی که دارای یکی از موقعیتهای زیر باشند نیز متعلق به يك جمعیت زبانی و ساکن در سرزمین خود شمرده می‌شوند:

الف- هنگامی که آنها از بدنه اصلی جمعیت خود توسط مرزهای اداری و یا سیاسی جدا شده باشند.  
ب - هنگامی که در طول تاریخ، در منطقه کوچک جغرافیائی‌ای محصور شده توسط اعضاء جوامع زبانی دیگر، تثبیت شده باشند.

ج- هنگامی که در منطقه جغرافیائی‌ای که در آن با اعضاء جمعیت‌های زبانی دیگری با سوابق تاریخی مشابه، سهیم و شریکند تثبیت شده باشند.

۴- این بیانیه همچنین مردمان عشایری کوچرو در مناطق قشلاق-ییلاق خودشان و همچنین مردمان تثبیت شده در نواحی به لحاظ جغرافیائی پراکنده را به عنوان جمعیت‌های زبانی در سرزمین‌های تاریخی خود می‌پذیرد.

۵- این اعلامیه "**گروه زبانی**" را بدین شکل تعریف می‌نماید: هر گروه از اشخاص دارای زبان واحد، که زبانشان در محیط سرزمینی جمعیت زبانی دیگری تثبیت شده اما دارای سابقه تاریخی برابری با اشخاص جمعیت مهمانپذیر نبوده نباشد. نمونه های این چنین گروه‌هایی مهاجرین، پناهندگان، اشخاص دیپورت شده و اعضاء دیاسپورا می‌باشند.

## ماده ۲

۱- این بیانیه اعلام می‌دارد که هرگاه گروه‌ها و جمعیت‌های زبانی گوناگون در سرزمین واحدی مشترک باشند، حقوق مندرجه در این اعلامیه می‌بایست بر اساس احترام متقابل و به گونه ای اعمال شوند که دمکراسی به حداکثر اندازه ممکنه تضمین گردد.

۲- در جستجو برای وصول به تعادل اجتماعی-زبانی رضایت بخش، به عبارت دیگر به منظور ایجاد هماهنگی مناسب بین حقوق مربوطه چنین جمعیتها و گروه‌های زبانی و افراد متعلق بدانها، عوامل مختلفی - علاوه بر سوابق تاریخی مربوطه آنها در سرزمینها و مطالبات آنها که به روشهای دمکراتیک بیان شده اند- می‌باید در نظر گرفته شوند. اینچنین عواملی شامل ماهیت اجباری مهاجرتها، که منجر به همزیستی جمعیتها و گروه‌های مختلف می‌شود و همچنین درجه آسیب پذیری فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی و سیاسی آنها می‌گردد.

## ماده سوم

۱- این اعلامیه حقوق زیر را به عنوان حقوق شخصی غیرقابل سلبی که در هر گونه شرایط، امکان برخورداری از آنها وجود دارد، قبول می‌نماید:

- حق به رسمیت شناخته شدن شخص به عنوان عضوی از يك جمعیت زبانی؛
- حق شخص برای استفاده از زبان خود در مکانهای خصوصی و عمومی؛
- حق شخص برای استفاده از نام خود؛
- حق شخص برای ایجاد مناسبات و پیوند با دیگر اعضای جمعیت زبانی مبداء خود؛
- حق شخص برای حفظ و گسترش فرهنگ خود؛
- و همه حقوق دیگر مربوط به زبان که در "عهدنامه بین المللی حقوق سیاسی و مدنی ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶" و "عهدنامه بین المللی در باره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" به همان تاریخ به رسمیت شناخته شده اند.

۲- این بیانیه اعلام می‌دارد که حقوق جمعی گروههای زبانی، علاوه بر حقوق فوق الذکر که تك تك افراد عضو گروههای زبانی از آنها برخوردار می‌باشند، در تطابق با شرایط تشریح شده در بند ۲۰۲ شامل موارد زیر می‌باشد:

- حق گروههای زبانی برای آموخته شدن زبان و فرهنگشان؛
- حق گروههای زبانی برای دستیابی به خدمات فرهنگی؛
- حق گروههای زبانی برای حضور برابر زبان و فرهنگهایشان در رسانه های ارتباطی؛
- حق گروههای زبانی در دریافت توجه و اعتناء نهادهای حکومتی و در روابط اجتماعی-اقتصادی تهیه شده به زبان خود.

۳- حقوق فوق الذکر اشخاص و گروههای زبانی به هیچ طریقی نمی‌بایست مانع برقراری مناسبات متقابل بین اینگونه اشخاص و گروههای زبانی، با جمعیت زبانی مهمانپذیر و یا ادغامشان در آن جمعیت گردد. همچنین این حقوق نباید به محدود نمودن حقوق جمعیت مهمانپذیر و یا اعضاء آن در کاربرد زبان خود جمعیت در سراسر فضای سرزمینی آن زبان منجر شود.

## ماده ۴

۱- این اعلامیه بیان می‌دارد اشخاصی که به سرزمین جمعیت زبانی دیگری رفته در آنجا ساکن می‌شوند حق دارند و موظف اند که نسبت به این جمعیت (مهمانپذیر) رفتاری همگرایانه از خود نشان دهند. آنچه از این بیان استنباط می‌شود تلاشی اضافی است از سوی اینگونه اشخاص برای انسیت با اعضاء جمعیت مهمانپذیر؛ به طرزى که در ضمن حفظ خصوصیات فرهنگی اصلی خویش؛ مراجع، ارزشها و گونه های رفتاری کافىای را با جامعه ای که در آن سکنى گزیده اند سهیم شوند. این امر آنها را قادر خواهد ساخت که به لحاظ اجتماعی و بدون مواجه شدن با مشکلاتی بیش از آنچه اعضاء جمعیت مهمان پذیر با آن مواجه اند، کارآ عمل نمایند.

۲- این اعلامیه، از سوی دیگر، بیان می‌کند که یکسانسازی-آسیمیلیاسیون، تعبیری به مفهوم اخذ فرهنگ جامعه میهمان پذیر به شکلی که خصوصیات فرهنگی اصلی، با مراجع، ارزشها و گونه های رفتاری جامعه مهمان پذیر جایگزین می‌گردند، به هیچوجه نباید تحمیلی و یا جبری بوده و تنها می‌تواند که محصول انتخابی تماما آزادانه باشد.

## ماده ۵

این اعلامیه بر این اساس استوار است که حقوق تمامی جمعیت‌های زبانی مساوی و مستقل از موقعیت این زبانها به عنوان زبان رسمی، محلی و یا اقلیتی بودن می‌باشد. در این اعلامیه، تعبیراتی مانند محلی و یا اقلیتی بکار برده نشده اند زیرا - هرچند در بعضی موارد مشخص، شناسایی زبانها به عنوان اقلیتی و یا محلی می‌تواند احقاق برخی از حقوق معین را تسهیل نماید- با اینهمه، این و دیگر تعابیر جرح و تعدیل کننده، غالباً برای اعمال محدودیت بر حقوق جمعیت‌های زبانی بکار برده می‌شوند.

## ماده ۶

این اعلامیه اعلام می‌کند که نمی‌توان تنها بر این مبناء که يك زبان، زبان رسمی دولت است و یا به طور سنتی برای مقاصد اداری و یا برخی از فعالیت‌های فرهنگی مشخص در يك سرزمین بکار رفته است، آنرا "زبان خاص سرزمین" بشمار آورد.

## عنوان اول: اصول عمومی

### ماده ۷

- ۱- همه زبانها بیان هویتی جمعی و راهی مجزا برای درك و توصیف واقعیت اند و بنابراین می‌بایست که از همه شرایط لازم برای گسترش و پیشرفتشان در همه نوع فعالیت و کارکرد برخوردار باشند.
- ۲- همه زبانها محصول آفرینش جمعی بوده و به عنوان ابزار همبستگی، تعیین هویت، ارتباط و افاده خلاق برای استفاده فردی در درون يك جمعیت، در دسترس همگان قرار دارند.

### ماده ۸

- ۱- همه جمعیت‌های زبانی از حق سازماندهی و مدیریت منابع خویش، برای تضمین نمودن کاربرد زبانهایشان در همه فعالیتها در درون جامعه برخوردارند.
- ۲- همه جمعیت‌های زبانی محق اند که بر هرگونه وسائط لازمه ممکن برای تضمین نمودن انتقال و پیوستگی زمانی زبان خود دسترسی داشته باشند.

### ماده ۹

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که سیستم زبانی خود را، بدون مداخلات اجباری و یا القائی، تنظیم و استانداردیزه نموده، حفظ، توسعه و ارتقاء دهند.

### ماده ۱۰

- ۱- همه جمعیت‌های زبانی دارای حقوق برابرند.
- ۲- این اعلامیه تبعیض بر علیه جمعیت‌های زبانی را غیرقابل قبول می‌داند، فارغ از آنکه این تبعیض بر مبنای درجه حاکمیت سیاسی مستقل جمعیت زبانی؛ موقعیت تعریف شده آن جمعیتها از لحاظ اجتماعی، اقتصادی

و یا دیگر لحاظها؛ درجه استانداردیزه شدن، مدرنیزاسیون و یا به روز شدگی زبانهایشان و یا هر معیار دیگری اعمال گردد.

۳- همه گامهای ضرور برای تحقق اصل برابری و به جا آوردن موثر آن میبایست برداشته شوند.

#### **ماده ۱۱**

همه جمعیتهای زبانی از حق دستیابی به و استفاده از همه وسائط ترجمه به دیگر زبانها و یا ترجمه از دیگر زبانها، که برای تضمین نمودن اعمال و برخورداری از حقوق ذکر شده در این اعلامیه ضروری باشند، برخوردارند.

#### **ماده ۱۲**

۱- هر کس حق دارد که کلیه فعالیتهای خود را در محیطهای عمومی به زبان خویش به جا آورد؛ به شرط آنکه آن زبان، "زبان خاص سرزمینی" محلی باشد که وی در آن ساکن است.

۲- هر کس حق دارد که زبان خود را در محیطهای شخصی و خانوادگی بکار برد.

#### **ماده ۱۳**

۱- هر کس حق دارد که زبان خاص سرزمینی (زبان نیاخاکی) خود را که در آن زندگی میکند بیاموزد.

۲- هر کس حق دارد که چند زبانه شود و بر اساس تضمیناتی که در این اعلامیه برای کاربرد عمومی زبان خاص سرزمینی (زبان نیاخاکی) تثبیت شده اند، و بدون هیچ گونه پیشداوری، مناسبترین زبانی را که موجب پیشرفت شخصی و یا تحرك اجتماعی وی میگردد آموخته و بکار برد.

#### **ماده ۱۴**

تدابیر این اعلامیه نمیتوانند به طرز تفسیر شوند و یا بکار روند که به نرمها و یا رویه های عملی ناشی از موقعیت داخلی و یا بین المللی يك زبان - که برای کاربرد آن زبان در سرزمین خود مناسبتر میباشد- زبان برسانند.

### **عنوان دوم: رژیم جامع زبانی**

#### **بخش اول: ادارات دولتی و نهادهای رسمی**

#### **ماده ۱۵**

۱- همه جمعیتهای زبانی حق دارند که در سرزمین- قلمرو خود به طور رسمی بکار برده شوند.

۲- همه جمعیتهای زبانی از این حق برخوردارند که تمام اسناد اداری، مدارك شخصی و دولتی و قیدیات محضرهای عمومی ثبت شده به زبان خاص سرزمینشان (زبان نیاخاکیشان)، معتبر و قابل اجراء شناخته شوند و هیچ کس و مقامی نمیتواند تظاهر به نادیده گرفتن و بیخبری از این زبان بنماید.

#### **ماده ۱۶**

همه اعضای يك جمعیت زبانی حق دارند که با مقامات دولتی به زبان خویش ارتباط برقرار کرده و اعتناء متقابل در زبان خود را از آنها دریافت کنند. این حق همچنین بخشهای مرکزی، سرزمینی، محلی و تقسیمات فرامنطقه ای، شامل سرزمینی که زبان مورد نظر، زبان خاص نیاخاکی آن می باشد، را فرامی گیرد.

#### ماده ۱۷

۱- همه جمعیت های زبانی از این حق برخوردارند که به همه اسناد و مدارك رسمی که به نحوی مربوط به سرزمین نیاخاکی يك زبان می باشد، تهیه شده در زبان خودشان دسترسی داشته و آنها را کسب نمایند، چه این چنین مدارکی چاپی، قابل خواندن با ماشین و یا در هر فرم دیگری بوده باشد.

۲- فرمها و اسناد اداری استاندارد، چه در شکل چاپی و چه در شکل قابل خواندن توسط ماشینها و یا به هر فرم دیگر، باید به همه زبانها تهیه شده و در محل های قابل دسترسی برای عموم و استفاده آنها قرار گیرند. این خدمت باید توسط مقامات دولتی به شکلی انجام پذیرد که همه سرزمینهای را که برای يك زبان، سرزمین خاص زبانی (نیاخاکی) شمرده میشوند تحت پوشش قرار دهد.

#### ماده ۱۸

۱- همه جمعیت های زبانی حق دارند که قوانین و دیگر ملاحظات قانونی که به نحوی به آنها مربوط می شود، به زبان خاص سرزمینی شان (زبان نیاخاکشان) تهیه و منتشر شوند.

۲- مقامات دولتی که در حوزه حاکمیت خود، دارای بیش از يك زبان خاص سرزمینی (زبان نیاخاکی) تاریخی هستند، میبایست همه قوانین و مقررات دیگر قانونی و حقوقی دارای ماهیت عمومی را، به تك تك این زبانها تهیه و منتشر سازند. فارغ از اینکه متکلمین به هر کدام از این زبانها قادر به فهم زبانهای دیگر باشند و یا نه.

#### ماده ۱۹

۱- زبان رسمی همه مجالس نمایندگی، میبایست زبان(های) به طور تاریخی رایج در سرزمینهای که نمایندگان، نمایندگی آن را بر عهده دارند باشد.

۲- این حق همچنین شامل زبانهای جمعیت های زبانی سکنی گزیده در مناطق جغرافی پراکنده که به آنها در بند ۱ پاراگراف چهار اشاره گردید نیز می شود.

#### ماده ۲۰

۱- هرکس حق دارد زبانی را که به طور تاریخی در يك سرزمین به آن تکلم می شود - هم به شکل شفاهی و هم به شکل نوشتاری- در محاکم و دادگاه های قضائی واقع در آن سرزمین بکار برد. محاکم قضائی باید در امورات داخلی خود، زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاکی) را بکار برند و اگر بنا به سیستم حقوقی فعلا موجود در کشور، ضرورتی به ادامه جریان محاکمات در محلی دیگر موجود باشد، میباید به کاربرد زبان اصلی در محل جدید همچنان ادامه داده شود.

۲- هر کس حق دارد که در تمام موارد، به زبانی که آنرا درك می کند و قادر به تکلم به آن است محاکمه شود، همچنین حق دارد که از خدمت مترجمی مجانی بهره مند گردد.

#### ماده ۲۱



همه جمعیت‌های زبانی حق ثبت و بایگانی مدارك و اسناد به زبان سرزمینی خود (زبان نیاخاکی) توسط محضرهای عمومی را دارا می‌باشند.

#### ماده ۲۲

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که مدارك تأیید شده آنها توسط ثبت اسناد، محضرهای عمومی و یا دیگر ماموران صلاحیت‌دار دولتی، به زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاکی) محل خدمت ماموران دولتی و یا محضرهای عمومی تهیه و تنظیم شوند.

### بخش دوم: تحصیل

#### ماده ۲۳

۱- آموزش و تحصیل می‌بایست در سرزمینی که در آن عرضه می‌گردد، به تشویق افاده فرهنگی خود از سوی جمعیت زبانی، کمک نماید.

۲- آموزش و تحصیل می‌بایست در سرزمینی که عرضه می‌شود، به حفظ و توسعه زبانی که يك جمعیت زبانی به آن سخن می‌گوید یاری رساند.

۳- آموزش و تحصیل همواره می‌بایست در خدمت تکثر و تنوع زبانی و فرهنگی و روابط آهنگدار بین جمعیت‌های زبانی گوناگون در سراسر جهان باشد.

۴- در بستر اصول پیش گفته، هر کس حق دارد که هر زبانی را بیاموزد.

#### ماده ۲۴

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند در باره گستره حضور زبانشان، به عنوان زبان رابط و به عنوان زبان مورد مطالعه، در تمام سطوح تحصیلی در سرزمین خود (پیش دبستانی، ابتدائی، متوسطه، حرفه ای و فنی، دانشگاهی و آموزش بزرگسالان) تصمیم بگیرند.

#### ماده ۲۵

همه جمعیت‌های زبانی از حق دستیابی و کاربرد همه منابع انسانی و مادی لازم برای تضمین نمودن حضور زبانشان در همه سطوح تحصیلی در نیاخاك خود، از قبیل آموزگاران ورزیده، روشهای آموزشی مناسب، کتب و متون درسی، منابع مالی، تجهیزات و ساختمانها، تکنولوژی های سنتی و مدرن و در وسعتی که خواهان آنهاند برخوردار می‌باشند.

#### ماده ۲۶

همه جمعیت‌های زبانی محق اند از تحصیلی که اعضای آن جامعه را قادر به تسلط کامل در کاربرد زبانشان سازد، شامل توانائیهای مختلف مربوط به همه محیطهای روزمره کاربرد زبان، همچنین گسترده ترین تسلط ممکنه به هر زبان دیگری که خواهان یادگیری آن باشند، برخوردار شوند.

#### ماده ۲۷

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند از تحصیلی که اعضای آن جمعیت را قادر به کسب دانش هر زبانی که مربوط به سنن فرهنگشان بوده باشد برخوردار شوند. مانند زبانهای ادبی و یا زبانهای مقدس که سابقاً زبانهای معمول آن جمعیت بوده اند.

#### **ماده ۲۸**

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که از تحصیلی که اعضای آن جمعیت را به دستیابی به آگاهی همه جانبه در باره میراث فرهنگی خود (تاریخ، جغرافیا، ادبیات، و دیگر نموده‌های فرهنگشان) قادر سازد برخوردار شوند. همچنین محق اند که از گسترده ترین آگاهی ممکنه در باره هر فرهنگ دیگری که خواهان دانستن آن باشند بهره مند شوند.

#### **ماده ۲۹**

۱- هر کس محق است که از تحصیل و آموزش به زبان خاص سرزمین خود که در آنجا ساکن است (زبان نیاخاکی) برخوردار گردد.  
۲- این حق، حق کسب دانش گفتاری و نوشتاری زبانی دیگر را که شخص ممکن است به عنوان ابزار ارتباط با دیگر جمعیت‌های زبانی بکار برد، نفی و سلب نمی‌کند.

#### **ماده ۳۰**

زبان و فرهنگ همه جمعیت‌های زبانی می‌بایست که موضوع مطالعه و تحقیقات علمی در سطح دانشگاهی قرار گیرند.

### **بخش سوم: نامهای شخصی**

#### **ماده ۲۱**

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که سیستم نامهای شخصی خویش را در همه محیطها و در همه مناسبتها حفظ نموده و آنها را بکار برند.

#### **ماده ۲۲**

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که نامهای محل و مکان به زبان خاص سرزمینی خود را (زبان نیاخاکی)، هم به صورت شفاهی و هم به صورت کتبی، در محیطهای خصوصی، عمومی و رسمی بکار برند.  
۲- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که نامهای بومی محلها و مکانها را تثبیت و حفظ نموده، در آنها اصلاحاتی اعمال نمایند. همچو نامهای امکانه را نمیتوان به طور کیفی موقوف و منسوخ نمود و یا تحریف و جرح و تعدیل کرد. همچنین نمیتوان اینگونه نامها را پس از تغییرات سیاسی و یا هر گونه دگرگونی حادثه دیگر، تغییر داد.

#### **ماده ۲۳**

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که جمعیت خود را به همان نامی که در زبان خودشان بکار می‌برند بنامند. هرگونه ترجمه به زبانهای دیگر می‌بایست از نامگذاریهای تحقیر آمیز و ابهام انگیز اجتناب نماید.

#### **بند ۳۴**

هر کس حق دارد که نام خود را در همه محیطها به زبان خویش بکار برد و همچنین حق دارد که نامش، اگر لزومی به بکاربردن سیستم نوشتاری متفاوت با زبان وی وجود داشته باشد، با لحاظ دقیقترین آوانگاری ممکن ثبت گردد.

### **بخش چهارم: رسانه های ارتباطی و تکنولوژیهای جدید**

#### **ماده ۲۵**

همه جمعیتهای زبانی از این حق برخوردارند که در باره درجه حضور زبانیشان در رسانه های ارتباطی در سرزمین خود (نیاخاک خود)، بدون در نظر گرفتن متد پخش و یا انتقال تولیدات آنها تصمیم بگیرند. چه این رسانه ها محلی و یا سنتی، چه رسانه های دارای شمول گسترده تر و چه رسانه هایی که از تکنولوژیهای پیشرفته تر استفاده میکنند باشند.

#### **ماده ۲۶**

همه جمعیتهای زبانی حق دارند که به همه منابع مادی و انسانی لازم برای تضمین نمودن درجه مطلوبی از حضور زبان خویش و درجه مطلوبی از افاده فرهنگی خودشان در رسانه های ارتباطی در سرزمین خود؛ و از پرسنل ورزیده، منابع مالی، ساختمانها و تجهیزات، تکنولوژیهای سنتی و مدرن دسترسی داشته باشند.

#### **ماده ۲۷**

همه جمعیتهای زبانی حق دارند که از طریق رسانه های ارتباطی آگاهی کاملی در باره میراث فرهنگی خویش (تاریخ، جغرافیا، ادبیات، و دیگر نمودههای فرهنگ شان)، همچنین حداکثر اطلاعات ممکنه در باره هر فرهنگ دیگری که اعضای آن جمعیت، خواستار دانستن آن باشند را دریافت نمایند.

#### **ماده ۲۸**

زبانها و فرهنگهای همه جمعیتهای زبانی در سراسر جهان، مکابست در رسانه های ارتباطی از معامله و برخوردی برابر و غیرتبعیض آمیز بهره مند شوند.

#### **ماده ۲۹**

جمعیتهای توصیف شده در ماده ۱، پاراگراف ۳ و ۴ این اعلامیه و گروههای ذکر شده در پاراگراف ۵ همان ماده، از حق برابر تمثیل زبانیشان در رسانه های ارتباطی سرزمینی که در آن ساکنند و یا به آنجا مهاجرت میکنند برخوردارند. این حق باید در هماهنگی با حقوق دیگر گروهها و جمعیتهای زبانی ساکن در آن سرزمین اعمال گردد.

#### **ماده ۴۰**

در عرصه تکنولوژی اطلاعاتی، همه جمعیتهای زبانی حق دارند که به تجهیزات تطبیق داده شده با سیستم زبانیشان و به ابزارآلات و محصولات تهیه شده در زبان خودشان دسترسی داشته باشند. به نحوی که بتوانند از همه امکانات و پتانسیلهای ممکنه توسط چنین تکنولوژیهایی برای افاده خود، برای تحصیل، در ارتباطات، انتشارات، ترجمه و پروسسینگ اطلاعاتی و پخش و کلا تبلیغ فرهنگشان حداکثر بهره برداری را بنمایند.

## بخش پنجم: فرهنگ

### ماده ۴۱

- ۱- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که زبان خویش را در همه فرم‌های افاده فرهنگی بکار برده، آنرا حفظ نموده و توسعه دهند.
- ۲- همه جمعیت‌های زبانی مک‌بایست بتوانند حق مذکور را تمام و کمال اعمال نمایند، بی آنکه محیط آن جمعیت به اشغال سلطه گرایانه فرهنگی بیگانه معروض شود.

### ماده ۴۲

همه جمعیت‌های زبانی از حق رشد و توسعه تمام و کامل در داخل محیط فرهنگی خود برخوردارند.

### ماده ۴۳

همه جمعیت‌های زبانی از حق دستیابی به آثار آفریده شده به زبان خود برخوردار می‌باشند.

### ماده ۴۴

همه جمعیت‌های زبانی محق اند که به برنامه های بین فرهنگها، از طریق پخش اطلاعات کافی دسترسی داشته باشند. همچنین حق دارند که از فعالیتهایی مانند آموزش زبانشان به خارجیان، ترجمه، دوبلاژ، پست سنکرونیزاسیون و زیرنویسی حمایت نمایند.

### ماده ۴۵

همه جمعیت‌های زبانی از این حق برخوردارند که زبان خاص سرزمینی‌شان (زبان نیاخاک‌شان) جایگاه ممتازی را در رویدادها و خدمات فرهنگی (کتابخانه ها، کلوبهای ویدئویی، سینماها، تئاترها، موزه ها، آرشیوها، فرهنگ عامه، صنایع فرهنگی و در همه دیگر نموده‌های حیات فرهنگی) اشغال نماید.

### ماده ۴۶

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که میراث زبانی و فرهنگی خویش را، شامل نموده‌های مادی آن مانند مجموعه های اسناد، آثار هنری و معماری، ابنیه تاریخی و متون نوشته شده به زبان خود را محافظه نمایند.

## بخش ششم: محیط اجتماعی-اقتصادی

### ماده ۴۷

- ۱- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که کاربرد زبان خویش در همه فعالیتهای اجتماعی-اقتصادی در سرزمینهای خود را نهادینه نمایند.
- ۲- همه اعضای جمعیت‌های زبانی محق اند که برای اجرای فعالیتهای حرفه ای خود، به همه وسائط ضروری تهیه شده به زبانشان، مانند اسناد و کارهای مرجع، دستورالعملها، فرمها و تجهیزات کامپیوتری، ابزارآلات و تولیدات دسترسی داشته باشند.

۲- استفاده از زبانهای دیگر در این محیط، تنها در صورتی میتواند مورد احتیاج باشد که طبیعت فعالیت حرفه ای نیاز به آنرا موجه سازد. به همه حال در هیچ شرایطی زبان تازه واردتر، نمیتواند موقعیت زبان نیاخاکی را تنزل داده و یا جانشین استفاده از آن گردد.

#### **ماده ۴۸**

۱- در درون سرزمین جمعیت زبانی خویش، هر کس حق دارد که زبان خود را با اعتبار قانونی کامل در همه معاملات اقتصادی از هر جنس، مانند خرید و فروش کالاها و خدمات، بانکداری، بیمه، قراردادهای شغلی و غیره بکار برد.

۲- هیچ ماده ی از اینگونه مقررات و عقدهای خصوصی، نمیتواند کاربرد زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاکی) را محدود و یا ممنوع سازد.

۳- در داخل سرزمین يك جمعیت زبانی، هر کس محق شمرده میشود که به همه اسناد لازم برای انجام عملیات فوق الذکر، تهیه شده به زبان خویش دسترسی داشته باشد. اینچنین اسنادی شامل فرمها، چکها، قراردادهای، رسیدها، صورت حسابها، سفارشنامه ها، دریافت نامه ها و غیره میشود.

#### **ماده ۴۹**

در داخل سرزمین هر جمعیت زبانی، هر شخص حق دارد که زبان خویش را در انواع سازمانهای اجتماعی- اقتصادی مانند تشکیلات اتحادیه ای و سندیکاهای کارگری، انجمنهای حرفه ای، کارفرمایان، اصناف و بازرگانی بکار برد.

#### **ماده ۵۰**

۱- همه جمعیتهای زبانی حق دارند که زبانشان از جایگاهی ممتاز در تبلیغات، آگهیها، تابلوها، علائم و نشانگاههای بیرونی و به عنوان يك کل در چهره کشور برخوردار باشد.

۲- در داخل سرزمین جمعیت زبانی، هر کس حق دارد به اطلاعات تمام و کامل شفاهی و نوشتاری تهیه شده به زبان خود در باره کالاها و خدمات عرضه شده توسط موسسات بازرگانی، از جمله به نحوه استفاده، اتیکتها، لیست های مواد سازنده، تبلیغات و آگهیها، ضمانت نامه ها و غیره دستیابی داشته باشد.

۳- همه علائم و نشانه های عمومی که تاثیر گذار بر سلامتی اشخاصند، به قید آن که پستتر از نشانه های مربوط به زبانهای دیگر نباشند، میبایست که اقلا به زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاکی) تهیه شوند.

#### **ماده ۵۱**

۱- همه کس حق دارد زبان خاص سرزمین خود را در ارتباط با شرکتها و موسسات بازرگانی و نهادهای خصوصی بکار برد و به همان زبان پاسخ و یا خدمت دریافت دارد.

۲- هر کس حق دارد به عنوان يك مشتری، مصرف کننده، خریدار و یا استفاده کننده، از موسسات عمومی، اطلاعات شفاهی و نوشتاری تهیه شده به زبان خاص سرزمین خود را (زبان نیاخاکی) دریافت دارند.

#### **ماده ۵۲**

هر کس حق دارد تمام فعالیتهای حرفه ای خویش را به زبان خاص سرزمین خود (زبان نیاخاکی) به انجام رساند. مگر آنکه طبیعت شغلش کاربرد زبانهای دیگری را الزامی سازد، مانند معلمین زبانهای خارجی، مترجمین و یا راهنمایان توریستی.

## ملاحظات اضافی

### نخست

مقامات دولتی میباید تمام گامهای لازم برای تحقق و جاری شدن حقوق مندرجه در این اعلامیه را در محدوده حوزه صلاحیتهای خویش بردارند. به طور مشخص تر، برای تشویق نمودن تحقق حقوق زبانی جمعیتهایی که آشکارا از جنبه منابع مالی در مضیفه میباشند، میبایست منابع مالی بین المللی تدارک دیده شوند. بنابراین، مقامات دولتی میبایست حمایت لازمه برای استانداردیزه شدن، ترجمه، آموخته شدن و استفاده از زبانهای جمعیتهای گوناگون تحت اداره خود را فراهم نمایند.

### دوم

مقامات عمومی میبایست مطلع شدن نهادهای رسمی، سازمانها و اشخاص مرتبط را با حقوق و وظائف مربوطه ناشی از این اعلامیه، تضمین و تامین نمایند.

### سوم

مقامات عمومی میبایست در پرتو سیستم قانونگذاری موجود، مجازاتهایی قابل اجراء برای هرگونه اخلال در حقوق زبانی تشریح شده در این بیانیه برپادارند.

## ملاحظات نهائی

### نخست

این اعلامیه بنیانگذاری "شورای زبانها" در بنیه سازمان ملل متحد را توصیه مینماید. مجمع عمومی سازمان ملل متحد عهده دار برپاساختن چنین شورائی، تعریف وظائف آن و انتساب اعضای شورا؛ و همچنین عهده دار ایجاد نهادی در قوانین بین المللی برای حفاظت از جمعیتهای زبانی در دستیابی و اعمال حقوق خویش که در این اعلامیه شناخته شده اند خواهد بود.

### دوم

این اعلامیه تشکیل "کمیسیون جهانی حقوق زبانی" را، نهادی غیر رسمی و مشاوره ای مرکب از نمایندگان سازمانهای غیر دولتی و دیگر تشکیلات فعال در زمینه قوانین زبانی، توصیه و تشویق مینماید.

بارسلون، ژوئن، ۱۹۹۶